

دوتا ۳۲۴	عهدجدید / ۲۵
	کولسیان
T = معلم ۱ (تدریس توسط معلم ۱)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه تعلیمی، فرصت خواهید داشت با کتاب مقدس آشنا شوید. امروز رساله کولسیان را معرفی می‌کنیم. درباره نویسنده و گیرندگان رساله، تاریخ و مکان نوشته شدن رساله، موقعیت و هدف از نوشته شدن آن، تقسیم‌بندی و پیام اصلی آن مطالبی خواهیم آموخت.

### نکته ۱. نویسنده کولسیان

رساله به کولسیان می‌فرماید که از طرف "پولس، که خدا برای خدمت به عیسی مسیح برگزیده، و از طرف برادر ما تیموتائوس" است. با وجود آنکه تیموتائوس پولس را در خدمتش در ایالت رومی آسیا، که شهر کولسی جزء آن بود، همراهی می‌نمود و در زمان نوشتن نامه در کنار او بود، لیکن وی نویسنده نبود، زیرا پولس در سراسر نامه از ضمیر اول شخص مفرد استفاده کرده است.

نویسنده این رساله، پولس رسول است. تعداد زیادی از رهبران کلیساهای مسیحی اولیه تایید کرده‌اند که پولس مولف رساله به کولسیان می‌باشد. اوسیپوس در سال حدود ۳۰۰ میلادی نوشت که تمامی کلیساهای مسیحی پذیرفته‌اند که چهارده رساله پولس توسط شخص او نوشته شده‌اند. پدران کلیسا اوریجن در سال ۲۲۵ میلادی، و کلمنت اسکندریه در سال ۱۹۰، ترتولیان در سال ۱۹۰، و ایرنئوس در سال ۱۷۰، همگی مطالبی را از رساله به کولسیان نقل، و آنرا به پولس منسوب کردند. بنابراین شواهد داخلی و خارجی هر دو به پولس رسول به عنوان نگارنده اشاره دارند.

### نکته ۲. گیرندگان رساله به کولسیان

بر اساس کولسیان ۴: ۱۲، اپافراس از اهالی کولسی بوده و به گروه همکاران پولس ملحق شده بود. بنابراین به احتمال زیاد او کسی است که در کولسی، انجیل را موعظه و کلیسا را بنیاد نهاد. فلیمون ۱: ۲-۳ نقل می‌کند که اعضای کلیسای کولسی در خانه فلیمون دور هم جمع می‌شوند. به احتمال خیلی زیاد اِپِیه همسر او بود و آرخیبوس پسرش. در طول دویست تا چهارصد سال اولیه تاریخ مسیحیت، مسیحیان به شکلی که امروزه برای ما شناخته شده است، ساختمان کلیسا نداشتند. آنها در خانه‌ها گرد هم می‌آمدند و مسیحیان زیادی وجود داشتند که با روی باز، خانه‌های خود را در اختیار مسیحیان قرار می‌دادند تا در آنجا همدیگر را ملاقات کنند. کولسیان ۴: ۱۲ و ۱۵ می‌فرماید اپافراس فرد اصلی بود که در سه شهر دره لیکوس یعنی کولسی، لائودیکیه و هیراپولیس فعالیت می‌کرد. او همواره سرگرم دعا برای آنان بود تا بتوانند محکم، باحکمت و کاملاً مطمئن در همسویی با اراده کامل خدا بایستند. کولسیان ۴: ۱۵-۱۶ می‌گوید پولس به مسیحیان ساکن لائودیکیه و کلیسای لائودیکیه که در خانه نیمفاس جمع می‌شدند سلام می‌رساند. پولس مسیحیان کولسی را نصیحت می‌کند و می‌گوید، "پس از خواندن این نامه، آن را به کلیسای لائودیکیه بفرستید، و نامه‌ای را هم که برای ایشان نوشته‌ام بگیرید و بخوانید." سه شهر هیراپولیس، لائودیکیه و کولسی در امتداد رودخانه لیکوس، در حدود ۱۶۰ کیلومتری غرب افسس واقع شده بودند. کولسی و لائودیکیه هر دو در امتداد جاده اصلی بین سوریه از شرق و افسس از غرب قرار داشتند.

### نکته ۳. موقعیت، تاریخ و مکان نگارش رساله کولسیان

پولس هنگامی کولسیان را نوشت که در حبس گرفتار بود. هیچ چیز نظریه سنتی را که می‌گوید پولس رسالات کولسیان، فلیمون، افسسیان و فیلیپیان را در طول اولین دوره حبس خود در روم نوشت، نقض نمی‌کند. میزان آزادی که پولس مطابق با این رسالات در طول حبس خود از آن برخوردار بود، با گزارش لوقا در اعمال ۲۸: ۳۰-۳۱ در مورد حبس وی در روم هماهنگی دارد. زمانی که در سالهای ۵۷-۵۹ میلادی در روم در حبس بود، دارای چنان آزادی نبود. برخی افراد بر این باورند که پولس در افسس در زندان بود نه در روم، زیرا این امر نوشتن نامه به کلیساهای مجاور را توجیه می‌کند. اما در خود رسالات یا اعمال رسولان شاهدهی مبنی بر اینکه پولس در افسس زندانی بود وجود ندارد. در اعمال ۱۹، لوقا اقامت سه ساله پولس در افسس را با جزئیات توضیح می‌دهد اما به حبس در آنجا حتی اشاره‌ای هم نمی‌کند. در طول آن دوران حتی خود لوقا در افسس نبود. اما بر اساس کولسیان ۴: ۱۴، لوقا در زمان حبس پولس و هنگام نگارش این رساله همراه وی بود. ارسترخوس نیز با پولس در حبس بود (۴: ۹). مطابق با اعمال ۲۷: ۱-۲ و ۲۸: ۱۶، علاوه بر ارسترخوس، لوقا قطعاً به همراه پولس به روم رفت، و در آنجا پولس زندانی شد. اول پطرس ۵: ۱۳ گزارش می‌دهد که در آن مقطع زمانی مرقس نیز در روم بود. همانطور که در مقدمه افسسیان و فیلیپیان دیدیم، رسالات به کولسیان، فلیمون و افسسیان ابتدا بین سالهای ۶۰ تا ۶۱ میلادی در روم نگارش و توسط تیخیکوس به این مکانها در ایالت آسیا ارسال شد (کولسیان ۴: ۷-۸). فیلیپیان بعداً در اواخر سال ۶۱ میلادی در روم نوشته (لوقا، ارسترخوس و فلیمون هنگام نگارش رساله فیلیپیان دیگر همراه او نبودند، کولسیان ۴: ۱۰، ۱۴، ۲۳؛ فیلیپیان ۲: ۱۹-۲۰) و توسط اپافرادینوس به فیلیپی فرستاده شد.

پولس در خانه بازداشت و زندانی بود. وی در خانه اجاره‌ای خود زندگی می‌کرد، ولی مطابق با کولسیان ۴: ۳ و ۱۸ به یک سرباز رومی که مامور مراقبت از او بود زنجیر شده بود. او آزادانه می‌توانست ملاقات‌کننده داشته باشد. علاوه بر ارسترخوس، این افراد نیز در روم همراه وی بودند: تیموتائوس، تیخیکوس، اونیسیموس، یوستوس، اپافراس، مرقس، لوقا و دیماس (کولسیان ۴: ۷-۱۴؛ فلیمون ۱: ۲۳-۲۴). او از مسیحیان کولسی می‌خواهد دعا کنند تا خداوند فرصتهایی را برایش فراهم سازد تا انجیل

را اعلام نماید (۴: ۳). در اعمال ۲۸: ۳۰-۳۱، لوقا می‌گوید که پولس هنگامی که در زندان بود، در واقع به هر کسی که می‌توانست، خبر خوش پادشاهی خدا را اعلام و درباره خداوند عیسی مسیح تعلیم می‌داد. در فلیمون ۱: ۲۲ پولس تقاضا می‌کند که یک اتاق مهمان برایش مهیا کنند، زیرا انتظار داشت خیلی زود از زندان آزاد شود. وی پس از رهایی از حبس در روم، و قبل از آنکه دوباره به زندان بیفتد، بین سالهای ۶۲-۶۴ میلادی سفرهای زیادی کرد. به احتمال زیاد در آن دوران از کولسی نیز بازدید کرد.

#### **نکته ۴. هدف از نگارش کولسیان**

بر اساس کولسیان ۱: ۷، اپافراس در طول اولین دوره حبس پولس در روم از وی دیدار کرد. اپافراس خدمتگزار وفادار مسیح بود که در سه شهر دره لیکوس فعالیت داشت. او فاصله‌ای بین ۱۶۰۰ تا ۲۱۰۰ کیلومتر را از کولسی به روم سفر کرد تا وضعیت مسیحیان در این شهرها را به اطلاع پولس برساند. کولسیان ۱: ۳-۸ می‌فرماید که گزارش او امیدبخش بود. اما مطابق با فصلهای ۲ و ۳، مسیحیان کولسی با دو خطر بزرگ مواجه بودند. نخست، مسیحیان کولسی را خطر رجعت به بت‌پرستی و فساد اخلاقی ناهنجار آن تهدید می‌کرد. دوم، این خطر وجود داشت که مسیحیان کولسی در دام بدعت‌های کولسیان گرفتار آیند. فصل ۲ بویژه تعلیم می‌دهد که چگونه باید با این خطر مواجه شد. اینها بحث‌های اصلی رساله کولسیان را تشکیل می‌دهند.

#### **نکته ۵. تقسیم‌بندی کولسیان**

به رساله پولس به کولسیان ممکن است این عنوان اطلاق شود: "پیروزی عیسی مسیح. او نجات دهنده و خداوند یگانه و کاملاً کافی است".

رساله به کولسیان را می‌توان به دو بخش که هر کدام دو قسمت دارند، تقسیم نمود:

##### **بخش اول.**

عیسی مسیح مقصود ایمان مسیحی است. این بخش در بر گیرنده فصلهای ۱ و ۲ است.

فصل ۱. "عیسی مسیح در خلقت و در نجات برتر است." پولس پس از سلامهای مقدماتی (۱-۲)، برای ایمان، محبت و امید مسیحیان کولسی خدا را شکر می‌کند (۳-۸). همچنین دعا می‌کند که آنها در ایمان مسیحی خود رشد کنند (۹-۱۲). سپس برتری عیسی مسیح را تعلیم می‌دهد: عیسی مسیح خالق هر چیز است و همه چیز برای خدمت به او آفریده شد (۱۷). عیسی مسیح دارای الوهیت کامل است، زیرا پری خدا در او قرار گرفت (۱۹). او چهره دیدنی خدای نادیده است و خدای نادیده را بر مردم مکشوف ساخت (۱۵). در انتهای زندگی خود بر روی زمین جان خود را داد تا شخص برتری شود که در تاریخ، انسانها را با خدا آشتی داد (۲۰). در طول تاریخ اولین کسی بود که از مردگان برخاست و تا ابد خواهد زیست (۱۸). اکنون در آسمان در دست راست خدای پدر نشسته و خداوند و حاکم برتر بر همه چیز در آفرینش، و نیز سرکلسیا بر روی زمین است (۱۸). سر عظیمی که انجیل اعلام می‌کند این است که عیسی مسیح آمده تا از طریق روح القدس خود در دلها و زندگی مسیحیان ساکن شود (۲۷). پس فصل ۱ تعلیم می‌دهد که عیسی مسیح بر همه چیز برتری دارد.

فصل ۲. "عیسی مسیح پاسخی بر علیه تمام بدعت‌هاست." مسیحیان کولسی هنوز مسیحیان جوانی بوده و از سوی انواع معلمین دروغین مورد حمله قرار گرفته بودند. این افراد سعی داشتند آنها را با به اصطلاح حکمت و معرفت، از عیسی مسیح دور سازند. پولس اعلام می‌کند که مسیحیان تمامی پاسخهای مورد نیاز خود را در عیسی مسیح خواهند یافت، زیرا تمامی گنجینه‌های حکمت و معرفت در مسیح نهفته است (۳). پولس به مسیحیان کولسی در مورد ابعاد گوناگون بدعت در شهرشان که در صدد اسیر کردن آنهاست، هشدار می‌دهد. در باره فلسفه‌های فریبنده تذکر می‌دهد زیرا بر رسوم و سنن انسانی استوار است (۸). در مورد آیین‌گرایی یهودیان هشدار می‌دهد، چون شریعت تشریفاتی باطل شده است (۴). بر علیه پرستش فرشتگان و در میان گذاشتن رویاها متذکر می‌شود، زیرا مسیحیان را غیر روحانی و لافزن می‌سازد (۱۸). و در مورد ریاضت‌گرایی با تمامی قوانین آن هشدار می‌دهد، چون بر دستورها و تعالیم انسانی استوار و پرستشی خود خواسته است که برای غلبه بر خواهشهای گناه‌آلود به کسی کمکی نمی‌کند (۲۰-۲۳). پس فصل ۲ یاد می‌دهد که عیسی مسیح نجات‌دهنده یگانه و کافی است.

##### **بخش دوم.**

"عیسی مسیح سرچشمه زندگی مسیحی است." این بخش فصلهای ۳ و ۴ را در بر دارد.

فصل ۳. "عیسی مسیح باید در زندگی مسیحی برتر باشد." پولس عیسی مسیح را به عنوان پاسخی برای تمامی پرسشها و آزمایشهای حاضر معرفی می‌کند. او منجی یگانه و کافی برای تک تک مسیحیان (۱-۱۷) و تمامی گروههای مسیحی از قبیل زنان و شوهران، پدران و فرزندان و غلامان و اربابان است (۳: ۱۸ - ۴: ۱). حیات واقعی همراه مسیح در حضور خداست (۳). بنابراین مسیحیان باید بکوشند پاسخهای خود را نه بر روی زمین، بلکه در آسمان جایی که مسیح است بجویند (۱-۲). پولس مسیحیان را نصیحت می‌کند که در قدوسیت رشد کنند. تعلیم می‌دهد که مسیحیان قبلاً طبیعت کهنه فاسد خود را با اعمال آن از تن بیرون آورده و طبیعت تازه احیا شده را بتن کرده‌اند که برای آنکه بیشتر و بیشتر شبیه مسیح شود مرتباً تقدیس می‌گردد (۹-۱۰)، پس حال مسئولیت شخصی دارند که رشد کنند. آنها باید اعمال طبیعت گناه‌آلود خود را نابود سازند (۵-۷) و از هر نوع بدی خود را برهانند (۸). و در عوض باید خود را با انواع خوبیها ببوشانند (۱۲-۱۴). باید عیسی مسیح بر دل و زندگی‌شان حکومت کند (۱۵). کلام عیسی مسیح می‌بایست کاملاً در آنها ساکن شود (۱۶). و هر چه می‌کنند باید آن را در جهت خدمت به عیسی مسیح انجام دهند (۱۷).

فصل ۴. "عیسی مسیح همکاران زیادی دارد." پولس از تمام مسیحیان کولسی می‌خواهد که با دعا کردن برای کسانی که کلام خدا را موعظه و تعلیم می‌دهند همکاران خدا گردند (۲-۴). او آنها را اندرز می‌دهد که به‌واسطه کیفیت زندگی‌شان برای مسیح

شهادت دهند (۵-۶). در آخر، چند تن از همکارانش را به نام ذکر می‌کنند. هدف اصلی یک همکار عیسی مسیح این است که "در انجام خدمتی که خداوند بدو سپرده کوشا باشد" (۱۷).

## نکته ۶. پیام اصلی کولسیان

**اول.** "مسیحیان باید بر علیه خطر بازگشت به طرف بت‌پرستی و فساد ناهنجار آن مبارزه کنند". بر اساس فصل ۳: ۵-۱۱، به نظر می‌رسد که اکثر مسیحیان کولسی هنوز مسیحیان جوانی بودند. آنها تازه از تاریکی و فساد جنسی و بت‌پرستی به مسیحیت گرویده بودند. از این رو، هنوز مجبور بودند از طریق کنار گذاشتن تمامی گناهان و در بر کردن تمامی تقوای مسیح، نجات خود در مسیح را با اعمالشان نشان دهند (فیلیپیان ۲: ۱۲). مسیحیان نوایمان همگی از سه جهت در معرض خطر قرار می‌گیرند: با حملاتی از سوی طبیعت کهنه فاسد خود مواجه می‌شوند که هنوز نفوذ منفی زیادی بر مسیحیان تجدید حیات یافته دارد. حملاتی را از سوی دنیای شرور اطراف خود دریافت می‌کنند، دنیایی که اغلب با مسیحیان خصومت دارد. و مجبورند تهاجماتی را از طرف شیطان متحمل شوند، که مانند شیری غران پیوسته بدنبال کسی می‌گردد تا نابودش سازد (۱ پطرس ۵: ۸). پولس از این مسیحیان می‌خواهد که بجای تسلیم شدن در مقابل این وسوسه‌ها و سر فرود آوردن در برابر این حملات، اعمال طبیعت گناه‌آلود خود را نابود سازند (۵-۷) و خود را از هر نوع بدی برهانند (۸). بجای بر تن نگاه داشتن رخت‌های کهنه گناه، باید خود را با انواع خوب‌ها ملبس کنند (۱۲-۱۴).

**دوم.** "مسیحیان باید در مقابل خطر افتادن در دام تعالیم غلط مبارزه کنند". مطابق با فصل ۲، بنظر می‌رسد که فعالیت‌های متعددی از سوی معلمین دروغینی در جریان بود که سعی داشتند دیدگاه خود را در مورد زندگی و پاسخ به سوالات به مسیحیان تحمیل کنند. بخصوص کلمه "کمال" کلمه‌ای کلیدی در این رساله است. از آنجایی که مسیحیان کولسی مسیحیانی نوایمان بودند و هنوز به عنوان مسیحی احساس کامل بودن نمی‌کردند، این معلمین دروغین سعی می‌کردند آنها را فریب دهند. آنها می‌گفتند ممکن است مسیح مفید باشد، اما "کمال و تمامیت" معرفت، قدوسیت، قدرت، شادی و غیره را نه در مسیح، بلکه در تعالیم غلط خودشان می‌توان یافت. این تعالیم غلط، ماهیت "قوانین و مقررات" را داشتند. بجای دیدگاه انجیل "مسیح به تنهایی"، خیلی به انجیلی از نوع "مسیح بعلاوه قوانین، بعلاوه مقررات" شبیه بود. از نظر این معلمین دروغین، عیسی مسیح برای کاملیت نجات کافی نبود. از دید آنها، برای حصول کمال، مسیحیان باید قوانین و مقررات آنها را دنبال کنند. بر خلاف دیدگاه معلمین دروغین، پولس در کولسیان ۲: ۲۳ می‌گوید، "این قوانین ممکن است به ظاهر خوب باشند... اما برای تسلط بر افکار ناپسند انسان هیچ تأثیری ندارند". وی عیسی مسیح را به عنوان شخص برتر در آفرینش و در نجات معرفی می‌کند (۱: ۱۸). او منجی و خداوند یگانه و کافی است. بدون عیسی مسیح، انسانها قادر به کسب نجات یا تبدیل ابدی نیستند. و در کنار او، هیچ قانون یا مقررات یا تعلیم مذهبی یا هیچ چیز دیگری نمی‌تواند در تمامیت کامل، نجات یا تبدیلی که عیسی مسیح ایجاد می‌کند، نقشی داشته باشد. ما می‌توانیم چهار جنبه تعالیم غلط را تشخیص دهیم:

**یک.** فلسفه فریبنده. بر اساس کولسیان ۲: ۸، فلسفه فریبنده‌ای وجود داشت که بر آداب انسانی استوار بود. عناصر اصلی آنچه بعدها به عنوان "فلسفه گنوسیسم" شناخته شد، از قبل در ایالت آسیا هویدا بود. فلسفه عرفانی بر اهمیت "معرفت، حکمت، فلسفه، اسرار، و بینش صوفیانه" تاکید داشت. بر خلاف این تعلیم غلط، پولس در کولسیان ۲: ۳-۴ اعلام کرد که تمامی "گنجینه‌های معرفت و حکمت" در عیسی مسیح نهفته است و عیسی مسیح خود سرّ خدا، یعنی مکاشفه تمامیت خدا به انسان، است (۱: ۲۶-۲۷؛ ۲: ۲-۴؛ ۳: ۴).

**دو.** "آیین‌گرایی یهودیان". مطابق با کولسیان ۲: ۱۱، ۱۶، ۱۷ و ۳: ۱۱، آیین‌گرایی یهودی جود داشت، که به مراسم ختنه، قوانین مربوط به خوراکیها و رعایت اعیاد خاص مربوط به دوره عهد عتیق فخر می‌نمود. بر خلاف این آموزه غلط، پولس در کولسیان ۲: ۱۷ تعلیم داد که تمام شریعت تشریفاتی عهد عتیق فقط "سایه‌ای" بود از آنچه قرار بود رخ دهد و "واقعیت" تنها در عیسی مسیح یافت می‌شود. کولسیان ۲: ۱۴ تعلیم می‌دهد که عیسی مسیح با مرگ خود بر روی صلیب، شریعت تشریفاتی یهود و هر نوع قانون و مقررات دیگری را که انسان ابداع نمود، منسوخ کرد. او با میخکوب کردنشان بر صلیب آنها را باطل و بنابراین کاملاً منسوخ نمود. و بر اساس افسسیان ۲: ۱۵، شریعت آیینی را با تمام قوانین و مقرراتش "باطل" کرد و از این رو برای ابد این قوانین و مقررات را از تبدیل شدن به دستاویزی برای ایجاد شکاف در کلیسا باز داشت. مطابق با کولسیان ۲: ۱۱-۱۲، یگانه ختنه، ختنه دل است، یعنی تجدید حیات از طریق قطع کردن "بدن نفسانی" که معرفت طبیعت فاسد انسان است.

**سه.** "پرستش فرشتگان". بر اساس کولسیان ۱: ۱۶ و ۲: ۱۵ و ۱۸، پرستش فرشتگان انجام می‌شد، که جایگزین یگانگی و کفایت عیسی مسیح شد. بت‌پرستان اعتقاد داشتند که علاوه بر خورشید، ماه و ستارگان در جهان، و در کنار پادشاهان و سایر رهبران انسانی روی زمین، فرشتگان بخشی از قدرتهای جهان هستند که بر انسانهای روی زمین نفوذ دارند. آنها ستارگان، سیارات، فرشتگان و فرمانروایان را می‌پرستیدند، زیرا معتقد بودند ممکن است اینها تأثیر خوبی بر زندگی‌شان داشته باشند. بر خلاف این آموزه، پولس در کولسیان ۱: ۱۶-۱۸ تعلیم داد که این قدرتها در جهان و بر روی زمین توسط عیسی مسیح خلق گشته و "به منظور خدمت به عیسی مسیح آفریده شدند"، تا عیسی مسیح در این دنیا بر همه چیز "برتری" داشته باشد. کولسیان ۲: ۱۵ تعلیم می‌دهد که عیسی مسیح با مرگ خود بر روی صلیب قدرتها و سلطه‌ها را "در هم شکست"، "بر آنها چیره شد" و "به تمام مردم دنیا به روشنی نشان داد". مرگ عیسی مسیح در اصل بر قدرت و نفوذ فرشتگان بد که همان ارواح شریر هستند، غلبه کرد. نباید فرشتگان یا ارواح را پرستش نمود. تنها مسیح شایسته پرستش است.

**چهار.** "ریاضت‌گرایی". مطابق با کولسیان ۲: ۲۰-۲۳، ریاضت‌گرایی متداول بود، که در تمرین بدنی سخت از یهودی‌گرایی فراتر می‌رفت. گرچه گفته نمی‌شود این افراد چه کسانی بودند، لیکن آنها به بخش بسیار متعصبی از فریسیان یا حتی اِسین‌ها شباهت دارند. مورخ معروف، فلاویوس یوسفوس می‌گوید که زمانی به گروه اِسین‌ها تعلق داشت. این گروه بخشی

از یهودیان بودند که به صورت جمعی در سرتاسر یهودیه زندگی می‌کردند و به‌گونه‌ای متعصبانه از قوانین و مقررات که پولس آنرا "عقاید دنیا" می‌خواند (۲: ۸ و ۲۰)، باور داشتند و تمرین‌های سخت بدنی انجام می‌دادند. آنها روح انسان را در حبس بدن جسمانی می‌پنداشتند و تلاش می‌کردند خود را از هر نوع نفوذ جسم بر روحشان محافظت کنند. احتمال دارد آنها همان گروهی باشند که در قمران در سمت غربی دریای مرده کشف شد. این گروه "دستورالعمل انضباطی" داشت که مملو است از قوانین و مقررات به شکل "به این دست نزن" یا "طعم آن را نجش".

با توجه به همه این چهار نوع تعالیم غلطی که مرور کردیم، می‌توان نتیجه گرفت که تعالیم غلط کولسیان احتمالاً نوعی تلفیق عقاید و مخلوط غربی از آموزه‌های نادرست یهودیت و بت پرستی بود. منابع موجود از تاریخ جهان نشان می‌دهد که همه این گونه‌های تعالیم غلط وجود داشته‌اند.

### تکلیف برای هفته آینده

- اول . در طول هفته آینده، اول و دوم تسالونیکیان را بخوانید. هفته بعد، به معرفی این رسالات خواهیم پرداخت.
- دوم . کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی [www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم ....
- سوم . هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش دهید .